

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع.ع
۱۱ اکتوبر ۲۰۲۳

اجلاس ۲۰۲۳ بریکس و نتایج آن

اجلاس پانزدهم بریکس که متشکل از افریقای جنوبی، روسیه، هند، چین و برزیل است تشکیل شد. بریکس از سال ۲۰۰۹ تشکیل شد که تا به حال اجلاس‌های مختلفی را برگزار کرده است و در طی ۱۴ سالی که از عمرش می‌گذرد در مجموعه خود، شاهد رشد اقتصادی- نظامی و صنعتی بوده است. در این مدت از بحران‌های متعدد بین‌المللی گذر کرده است و نشان داده است که توان پاسخ‌گویی در اندازه خود به مسائل جهانی را دارد. با این که کشورهای عضو آن در یک شرایط مساوی نیستند و اختلافاتی هم با هم دارند ولی این باعث نشده است که روندی رو به رشد نداشته باشد. بریکس در اجلاس آخر با عضوگیری ۵ کشور، روند رو به رشد خود را تسریع کرده و در برخی از زمینه‌ها از گروه‌های دیگر مشابه بین‌المللی مانند جی ۷ پیش افتاده است. رهبران بریکس بر این نکته تأکید گذاشتند که این رشد ادامه خواهد داشت. ولی با تمام تفصیلات بیانیه پایانی نشان می‌دهد که بریکس قصد دارد سیاست ممانعت‌های اولیه با گروه‌های رقیب که عمدتاً آمریکا و کشورهای اروپایی به علاوه نیوزلند و استرالیا و کانادا هستند، ادامه بدهند و با کمتر کردن هرج و مرج در روابط بین کشورهای پیرامونی و تثبیت اوضاع بین‌المللی امکان درگیری‌های نظامی را به حداقل در سطح جهانی برسانند.

بیانیه پایانی بریکس در زمینه اقتصادی از تعادل و امکان برابر اقتصاد بین‌المللی با جنوب جهانی یاد می‌کند. این بیانیه سیاست برابری اقتصاد و سیاست در سطح جهانی و جلوگیری نرم از تهاجم و دست‌اندازی رقبای غربی به مناطقی است که بریکس در حال نفوذ در آن است را اعلام می‌کند و هنوز نسبت به ارزش واحد صحبتی به میان نمی‌آورد ولی به بانک‌های کشورهای مربوطه بر سر نوع ارزش تبادلاتی و تحقیقات راجع به آن توصیه‌هایی را برای اجلاس بعدی دارد. در عین اینکه اعلام می‌کند که سیاست برتون وودز به پایان رسیده است ولی ظاهراً هیچ آلت‌رناتیوی نسبت به نهادهای قدیمی امپریالیستی ارائه نمی‌دهد و همچنان بر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل تأکید دارد. حتی راجع به سازمان ملل تأکید بیشتری بعد از اصلاحات در آن دارد. و بر مرجع بودن آن به عنوان یک نهاد بین‌المللی تأکید می‌کند.

آنچه که بیانیه پایانی بریکس بر آن تأکید می‌کند چیز جدیدی نیست و ادامه وضع موجود بدون درگیری نظامی و هرج و مرج، را به نفع خود و دیگر کشورهای جنوب جهانی می‌بیند. اضافه شدن ۵ کشور و در لیست بودن ۳۵ کشور دیگر برای عضویت و نزدیکی به بریکس خود گویای آن است که کشورهای پیرامونی از زورگویی و غارتگری کشورهای

غربی به تنگ آمده‌اند و بعلت اینکه بریکس را در جایگاهی پر قدرت و غیر مداخله‌گر ارزیابی می‌کنند، تمایل دارند که به آن نزدیک شوند.

در تاریخ صد ساله گذشته جهان نشان داده است که وقتی کشورهای جدیدی که از قدرت و وزنه بین‌المللی برخوردار در حال شکل‌گیری هستند بسیاری از حکومت‌های کشورهای پیرامونی برای فرار از وضع موجود به آن جدا از اینکه چگونه قدرتی در حال شکل‌گیری اظهار تمایل و نزدیکی می‌کنند. پذیرش رژیم جمهوری اسلامی بعد از مدتی پشت در ماندن نیز از همین تمایل نشئت می‌گیرد.

هنوز مرکب اطلاعیه بریکس خشک نشده بود که نشست رهبران جی ۲۰ تشکیل شد. تشکیلی که ۸۵ در صد تولید ناخالص ملی، ۷۸ در صد تجارت جهانی و بیش از دو سوم جمعیت جهان را داراست رهبران چین و روسیه در آن شرکت نکرده بودند، و دلایلی هم بر عدم شرکت رهبران درجه اولشان مثل شی جی پینگ و پوتین نیاورده بودند. هند که میزبان این نشست بود از یک طرف همراه بریکس یکی از دولت‌های پر قدرت آن است و از طرف دیگر در همین کنفرانس در نشست جانبی به همراه امریکا، عربستان و امارات و اتحادیه اروپا در رقابت با راه ابریشم چین قرارداد راه بازرگانی را امضاء کردند. جالب توجه آنکه عربستان و امارات جدیداً به عضویت بریکس پذیرفته شده‌اند. تضادهای جهان نشان می‌دهد که گروه‌های رقیب یعنی اتحادیه اروپا و امریکا از یک طرف و چین و روسیه از طرف دیگر در حال گسترش نهادهای اقتصادی و سیاسی خود و یارگیری از بین کشورهای پیرامونی هستند. این موقعیتی برای کشورهای پیرامونی بوجود آورده که مانند گذشته مجبور نیستند که فقط از یک گروه‌بندی جهانی اطاعت کنند. قطب‌های جدید دیگر یک تبلیغات نبوده و این قطب‌ها عملاً شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری هستند. جنگ اوکراین و تبعات اقتصادی و سیاسی و نظامی آن دیگر بر هیچکس پوشیده نیست. معلوم شده است که امریکا از مدتها قبل به همراه کشورهای اروپائی قصد ورود روسیه به یک جنگ فرساینده را داشته‌اند و اوکراین موقعیت خوبی برای امریکا فراهم کرده است که هم اتحادیه اروپا را در فشار گذاشته و به خود وابسته کند و هم از فروش اسلحه و نفت بیشترین سود را نصیب خود می‌کند. اما جنگ اوکراین که با ورود سیل آسای اسلحه غرب قرار بود که اقتصاد روسیه را ویران کند، به جنگی فرسایشی دچار شده است که روسیه و اوکراین و بیشتر کشورهای اروپائی از آن متضرر شده‌اند. ابعاد کمبود انرژی و مواد غذایی تأثیرات خود را حتی در کشورهایی مانند استرالیا که خود صادر کننده گوشت و گندم است هم گذاشته و در تمامی جهان قیمت‌ها روزانه بالا می‌رود. حتی در قدرتمندترین کشورهای جهان هم دیگر از ثبات قیمت‌ها خبری نیست. کنفرانس جی ۲۰ هم دیگر قادر به توصیه و رهنمود و یا راهکاری برای برون رفت از وضع موجود نبوده و با فرمول بندی‌های عام سعی به پایان رساندن آن دارد. اما برعکس، بریکس و اتحادیه اروپا از هماهنگی بیشتری در سیاست و اقتصاد برخوردارند.

وضعیت جی ۲۰ ملغمه‌ای از تضادهای دوران امپریالیستی و کشورهای پیرامونی، بسیار شکننده‌تر است بحدی که در آخرین نشست خود قادر به انتشار یک قطعنامه متحد نشدند. از یک طرف چین از سرنوشت مشترک مردم جهان و توسعه و امکانات برای همه کشورها و روسیه از مذاکرات صلح اوکراین و از طرف دیگر امریکا از زیاده خواهی چین و تجاوز امپریالیسم روسیه و اروپا از حفاظت از دموکراسی و حقوق بشر صحبت می‌کنند. همزمان ناتو در حال گسترش به طرف دریای چین و خنثی کردن طرح یک جاده و یک کمربند هستند. امریکا مشغول نظامی کردن جنوب شرقی آسیا و چین و روسیه در حال نفوذ اقتصادی- سیاسی به طرف آفریقا هستند. در چنین شرایطی که بزرگترین قدرت‌های جهان به دنبال سیاست‌های خود و ایجاد کمربندهای سیاسی اقتصادی و نظامی هستند، تشکیل چنین نشستی چه مشکلی از مردم جهان را حل خواهد کرد؟

جی ۲۰ جلسه رقبای جهانی برای همکاری نیست جلسه‌ای است برای دریدن یکدیگر و سوار شدن بر گرده مردم جهان، مردم جهان دیگر فریب عکس‌های پایانی که همه رهبران دست در دست هم عکس‌های رنگی می‌گیرند و قول‌های سرخرمن می‌دهند را، نمی‌خورند. بحران جهان سرمایه‌داری بطور مستقیم خود را در شکل جنگ، افزایش قیمت‌ها، رشد بیکاری و... نشان می‌دهد. معدودی از کشورهای جهان به رشد اقتصادی ادامه می‌دهند و بقیه کشورها آنچنان تورم گلوی آنها را می‌فشارد که توان پرداخت قروض خود را ندارند. ارزش اکثر پول‌های جهان بطور دائم در حال سقوط است و بیکاری به یکی از مشکلات بزرگ فریب به اتفاق کشورها تبدیل شده است. نظامی‌گری برای حل بحران‌ها و براه انداختن جنگ‌های منطقه ای و نیابتی، باعث سود آوری‌های هنگفتی برای کارخانه‌های اسلحه سازی شده است، مانورهای نظامی با خرج های سنگین از قیل کارگران و زحمتکشان جامعه سطح فقر را در همه جهان گسترش داده است .

ناشی از ناثباتی جهان کنونی، دولت‌های کشورهای جهان برای فرار (از ترسی که این ناثباتی تاثیر مستقیمی در جامعه و مسئله قدرت دارد) از آن در یک دایره مافیائی تنگ و بسته خود را سازماندهی کرده و دیکتاتوری علنی و پوشیده سیاهی را بر مردم اعمال می‌کنند. با تمام این احوال بحران کنونی هنوز شروع خود را تجربه می‌کند. رقابت قدرت‌های معظم جهان حتی مانند جنگ سرد گذشته نیست. این خطر که رشد بریکس بتواند تعادل هژمونیکی ۲۰۰ ساله غرب را برهم بزند، خواب‌های غرب را آشفته کرده است. رقابتی افسار گسیخته در همه جای جهان و در همه عرصه‌ها و بصورت بشدت بی رحمانه با شعارهای حقوق بشری و دموکراسی، دفاع از امنیت ملی، دفاع از امنیت جمعی و غیره به چراغ سبز این رقابت‌ها تبدیل شده است. رقابت‌ها، دیگر قاره و سرزمین و دولت نمی‌شناسند. شرکت‌های عظیم سرمایه‌داری امپریالیستی خود به نیمچه دولت‌هایی تبدیل شده‌اند که بودجه مالی سالیانه آنها از برخی کشورهای جهان بیشتر است.

در چند هفته گذشته در پی کودتا در چند کشور آفریقائی از جمله نیجر، کار به آنجا رسید که با تمام تظاهراتی که جلوی سفارت فرانسه انجام شد، فرانسه حاضر به ترک نیجر نشد و سربازان خود را در نیجر به حالت آماده باش درآورد امریکا قول داد سرباز بیشتری به نیجر بفرستد. فرانسه یکی از استعمارگران کهن آفریقا است و مردم آفریقا دل خونی از این امپریالیست کهن دارند. قاره آفریقا که برای بیش از دو قرن تحت سلطه گی به ویرانی عظیمی گرفتار شده است و امپریالیست‌های اروپائی با کودتاها پی در پی، دیکتاتورهای مستبدی را بر سرکار می‌آوردند، هم دیگر برایشان جای امنی نیست. کودتای نیجر چند دستگی که در راس قدرت جهانی پدیدار شده است را در خود بازتاب می‌دهد .

روند اوضاع حاکی از بدتر شدن روابط بین‌المللی، شکستن قوانین بین المللی که خود امپریالیست‌ها در تدوین آن نقش مهمی داشتند، است. تشدید تنش در روابط بین‌المللی یعنی ظاهر شدن جنگ‌های بیشتر و درگیری بین گروه‌های دست ساز و مرتجع، سرکوب بیشتر نیروهای کمونیست و انقلابی و نهادهای دموکراتیک و مترقی در جوامع. از هم پاشاندن اتحادیه‌ها و سندیکاها و گسترش نیروهای امنیتی و زندان‌ها و...

این روند یعنی تشدید تنش و رقابت امپریالیستی به دو صورت قابل حل است، یکی از گروه‌های رقیب در طی یک دوره از تشنجات و جنگ و درگیری و... عملا هژمونی خود را از دست بدهد و تعادل جدیدی از نیروهای جهانی شکل بگیرد. مانند افول انگلیس بعد از جنگ دوم جهانی و صورت دوم آن برهم زدن این مناسبات با انقلابات عظیم اجتماعی ایجاد احزاب کمونیست پر قدرت در سطح ملی و بین‌المللی و شکست نقشه‌های سرمایه‌داری برای درهم کوبی انقلاب است. تا آن زمان که هنوز طبقه کارگر و زحمتکشان جهان متشکل نیستند و کمونیست‌ها قادر به تاثیر گذاری مستقیم بر مبارزات اکثریت مردم جهان بسوی رهائی از ستم و استثمار نشده‌اند. رقابت‌های امپریالیستی نقشی مستقیم در مبارزات

طبقاتی جهان داشته و بسیاری از روندهای اقتصادی و سیاسی جهان را شکل خواهند داد. تشکلاتی و یا نشست‌هایی نظیر جی ۲۰، جی ۷، بریکس و نظایر آن هیچکدام جوابگوی مشکلاتی که در سطح جهانی بوجود آمده است نیستند. در بهترین حالت آنها می‌توانند بطور بسیار محدود برخی از فضاها را برای آنهم محدود کشورهای پیرامونی بازتر کنند. در حالیکه این فضاها تا به حال عملاً دست کشورهای پیرامونی را برای سرکوب بیشتر کارگران و زحمتکشان باز کرده است. هیچ سرنوشت روشنی در این نشست‌ها دیده نمی‌شود. برعکس نتایج قطعنامه‌ای این گونه نشست‌های قدرت‌های جهان، چشم اندازهای تاریک و جنگ‌های خونین و رقابت‌های افسار گسیخته‌ای در راه هستند که دودش فقط به دوش مردم ستم‌دیده و استثمار شده جهان می‌رود اما آنچه که روشن است تلاش طبقه کارگر و بشریت مترقی برای گذار از نظم سرمایه و ایجاد دنیای نوین سوسیالیستی بدون دخالت امپریالیستی، بدون جنگ، بدون اشغالگری و... تحقیر ملت‌ها است.